

# ویرایشی در ویرایش و کتاب‌های ویرایش

محسن ایزدیار\*

## چکیده

این مقاله نگاهی است انتقادآمیز به اوضاع ویرایش در ایران. در این مقاله، ویرایش به عنوان ضرورتی انکارناپذیر در تولید کتاب بررسی شده ضمن تحلیل اوضاع کنونی ویرایش در ایران و بیان دیدگاه‌های ناشران و نویسندگان به این فن، چالش‌هایی را که ویرایش با آن روبه‌رو است تبیین شده است. همچنین با رویکردی انتقادی به کتاب‌هایی که درباره ویرایش نگاشته شده نواقص این نوع کتاب‌ها برشمرده شده است.

## واژه‌های کلیدی

ویرایش، چاپ و نشر، نقد، کتاب‌سازی، ویراستار

\* عضو هیأت علمی دانشگاه آزاد اسلامی اراک، دانشجوی دوره دکتری زبان و ادبیات فارسی.

□ فصلنامه تخصصی زبان و ادبیات فارسی ❖ سال اول ❖ شماره ۴

## مقدمه

زبان فارسی یکی از زبان‌های روان، شیرین و تواناست و از سویی زبان دوم آیین مقدس اسلام هم به شمار می‌رود. هم چنین است خط فارسی که خطی ساده و زیباست، اما متأسفانه ما ایرانیان چندان که باید در پاس‌داشت این خط و زبان ارزنده نکوشیده‌ایم و در به کارگیری نکته‌ها و دقایق علمی و سنجیده درباره آنها چندان که باید همت نگماشته‌ایم. مشهور است که بیگانه‌ترین افراد نسبت به قابلیت‌های زبانی ایرانیان‌اند.

روزگاری بود که در کرانه‌هایی از عالم، از بالکان تا کاشغر و از مصر تا هند، زبان فارسی گسترده بود ولی اکنون که رونق و رواج آن تا حد زیادی از دست رفته بر ماست که در احیای فرهنگ، زبان و خط ایرانی در این گستره بکوشیم. اما این مهم حاصل نمی‌شود مگر آن‌که نسبت به ساختار زبان توجه بیشتری داشته باشیم، در حفظ و صیانت آن بکوشیم و خط فارسی را تا حد امکان ساده و فراگیر کنیم تا یادگیری آن برای همه اقوام و ملل آسان‌تر شود. باید به تقویت محفل‌های ادبی در سرزمین‌های مختلف، با ارسال کتاب و نشریه، نمایش فیلم و تئاتر و... به ویژه در کشورهای چینی، پاکستان، افغانستان، تاجیکستان و... توجه بیشتری مبذول کنیم.

هم‌چنین است اوضاع زبان و خط فارسی در درون کشور. متأسفانه روزانه واژه‌ها و اصطلاحات بی‌شماری از زبان‌های دیگر به عرصه بی‌محافظ و نگاهبان! زبان فارسی وارد می‌شود. تشنت و چندگانگی در نگارش کلمات و واژه‌ها به ویژه در دوره اخیر شرایط نگارش را دشوار ساخته است. به واقع مردم (اهل زبان) نمی‌دانند تکلیفشان چیست؟ آیا علامت جمع «ها» را پیوسته بنویسند یا جدا؟ بنویسند «نامه علی» یا «نامه‌ی علی»؟!<sup>(۱)</sup>

۱ - دکتر میرشمس‌الدین ادیب سلطانی در پیشگفتار ویراست دوم کتاب «درآمدی بر چگونگی شیوه خط فارسی» در مورد حرف اضافه «ی» می‌گوید: «من تغییر شیوه داده‌ام و بر من مسلم شده است که ی حرف مستقل است و از این پس این‌گونه عمل خواهم کرد.» بر روی جلد همین کتاب آمده است: «درآمدی بر شیوه‌ی خط فارسی» و در قسمت پایین جلد آمده است: «مؤسسه انتشارات امیرکبیر» و توجیه آورده‌اند: «زیرا بر پایه‌ی آگاهی نگارنده، شیوه‌ی خط نام مؤسسه تا آن‌جا که جنبه‌ی رسمی داشته باشد، ثابت است.»!!

## ویرایشی در ویرایش و کتاب‌های ویرایش ۹۳

عبارت پردازی‌های غلط آن هم به ویژه تحت تأثیر ترجمه آثاری که از زبان‌های دیگر صورت می‌گیرد اوضاع زبان و خط را تحت تأثیر قرار داده است. گرایش و میل روزافزون (شیفتگی و فریفتگی) ایرانیان به ویژه جوانان به غرب، وضع را پیچیده‌تر کرده است. در صدا و سیما و دیگر رسانه‌های کشور، به رغم همه تلاش‌هایی که شده هم‌چنان بسیاری از واژگان و اصطلاحات غربی مورد استفاده قرار می‌گیرند و از سویی ندانسته فرهنگ غربی به ویژه از سوی این رسانه‌ها هم‌چنان ترویج می‌شود.

این‌که چرا خط یک‌دست نیست؟ چرا واژه‌های وارداتی معادل‌سازی نمی‌شوند؟ چرا پارک به بوستان معادل‌سازی می‌شود؟ چرا ضمانت اجرایی برای مصوبات فرهنگستان وجود ندارد؟ چرا تشتت در واژه‌گزینی و معادل‌سازی فراوان است؟ تکلیف شاگرد دبستانی، دبیرستانی و دانشگاهی چیست؟ تکلیف معلم و استاد چیست؟ چرا به وضع کتاب‌ها رسیدگی نمی‌شود؟ و بسیاری چراهای دیگر پرسش‌هایی است که هر یک در جایگاه خود قابل تأمل است.

اگر این چنین با مسامحه و مساهله به زبان و خط بنگریم، سرنوشتی جز این نخواهیم داشت که هم‌چنان فرهنگ ملی و بومی این سرزمین بیش از پیش خدشه پذیرد، فرار مغزها ادامه یابد، شیفتگی به غرب روزافزون شود، ادبیات و علوم انسانی هم‌چنان تحقیر شود و زبان و خط و فرهنگ فارسی و ایرانی ره به فراموشی سپرد.

این جاست که مسؤولیت خطیر و ظریف فرهنگستان به عنوان متولی بخشی از امور فرهنگی و زبانی کشور بیشتر آشکار می‌شود و لازم می‌نماید در رسالت خویش، ضمن مقابله با تهاجم فرهنگی و فرهنگ استعماری، در تقویت بنیه‌های فرهنگی کشور و مهم‌تر از آن در تقویت زبان و خط فارسی گام‌های مؤثرتری بردارد.

هزار سال پیش «یعقوب لیث صفاری» به دبیر دربارش - محمدبن و صیف سگزی - گفته است: «چیزی که من اندر نیابم چرا باید گفت؟»<sup>(۱)</sup> باید دانست که زبان و نگارش برای فهماندن

۱ - محمدتقی بهار. سبک‌شناسی. جلد اول. تهران: انتشارات امیرکبیر، چاپ پنجم، ۱۳۶۹، ص ۱۶۵.

به کار گرفته می‌شود، از سوی دیگر در دوره معاصر رسالت دیگری هم بر عهده دارد و آن این که باید چشم‌نواز، گوش‌نواز و جذّاب باشد تا خواننده و شنونده را به سوی خود بکشد و با توجه به حال مخاطب گفته و یا نوشته شود، اما آیا در حال حاضر چنین است؟

هر چند رسم و آیین ویرایش را از خارج گرفته‌ایم، حتی در بخش‌هایی که مربوط به حوزه داخلی است تشتت و بی‌رسمی فراوان است؛ یعنی نه در واردات اصول منطقی و دقیقی را رعایت کرده‌ایم و نه در تولیدات داخلی.

می‌توان چنین انگاشت که پژوهش حاضر نوعی اعتراض است به اوضاع کنونی و فعلی چاپ و نشر و ویرایش. زیرا به رغم پیشرفت‌های چشم‌گیری که در جهان و به تبع آن در ایران در این حوزه رخ داده است، ضعف‌ها و منقصت‌های بی‌شماری را درباره خط و ویرایش و چاپ کتاب در ایران شاهدیم. تشتت در اوضاع نگارش و ویرایش را می‌بینیم؛ سردرگمی ایرانیان را در به کارگیری نوعی خط واحد ناظریم؛ پایمالی حقوق خوانندگان و مخاطبان آثار مکتوب را نظاره می‌کنیم و در مجموع عدم رعایت استانداردهای اولیه چاپ و نشر را که سرانجامی جز اتلاف سرمایه ملی و... ندارد مشاهده می‌کنیم!

## ویرایش

ویرایش واژه‌ای فارسی است و ریشه در زبان پارسی میانه دارد. این واژه معادل واژه Editing انگلیسی اختیار شده است. ویرایش اسم مصدر است و ویراستن مصدر آن است. کسی که عمل ویرایش را انجام می‌دهد ویراستار نامیده می‌شود. ویراستار معادل واژه انگلیسی Editor دانسته شده است.<sup>(۱)</sup>

ویرایش عبارت است از: تعیین سیاست نشرکتاب، برقراری رابطه با مؤلفان و مترجمان،

۱ - البته مفهوم Editor فراتر از مفهوم ویراستار در ایران است و ما واژه‌ای فارسی که مفهوم Editor را به طور کامل پوشش دهد نداریم. برای آگاهی بیشتر مراجعه کنید به: احمد سمیعی (گیلاتی). نگارش و ویرایش. تهران: انتشارات سمت، چاپ دوم، ۱۳۷۹، ص ۱۲۹. هم‌چنین: عبدالحسین آذرنگ. چند نوشتار و گفتار در نشر و ویرایش. تهران: ققنوس، ۱۳۸۱، ص ۱۱۶.

## ویرایشی در ویرایش و کتاب‌های ویرایش ۹۵

بررسی دقیق آثار ایشان و پذیرفتن آنها برای اجرای مراحل هم‌بافته ویرایشی تا انتهای کار چاپ اثر.

تا چند سال پیش ویرایش در ایران چندان معنا و مفهومی نداشت و یک اثر بدون لحاظ مسایل فنی و نگارشی چاپ می‌شد اما چند سالی است که این فن مورد توجه قرار گرفته و از آن تا حدودی استقبال شده است هر چند در مقایسه با پیشرفت صنعت چاپ و ویرایش در دیگر کشورها این استقبال به کندی صورت گرفته و هم‌چنان چون و چرا درباره آن در این سرزمین بسیار است. مقاله حاضر چون و چرایی است در این زمینه.

این‌که فقط تعدادی از مراکز چاپ و نشر که تعدادشان شاید از انگشتان دو دست هم فراتر نرود به امور چاپ و نشر و ویرایش توجه ویژه مبذول می‌کنند و برای کیفیت آثار منتشره خود از جهات مختلف، اهمیت قابلند نباید موجب خشنودی و رضایت و قناعت شود. با نگاهی به آمار ناشران کشور<sup>(۱)</sup> به راحتی در خواهیم یافت که از این نظر در چه جایگاه و مرتبه‌ای قرار گرفته‌ایم.

بررسی موضوعاتی از این قبیل که ویرایش در ایران چه مرحله‌ای را پشت سر نهاده، چه تأثیراتی را پذیرفته و چه تأثیرهایی را بر جای نهاده است و امثال آن از اهمیت ویژه‌ای برخوردار است، به ویژه آن‌که درباره دو موضوع اخیر چندان پژوهشی صورت نگرفته است؛ اما می‌توان اذعان داشت که حرکت رو به رشد و تعالی ویرایش در ایران بسیار کند بوده است.

بنده خود بارها شاهد بوده‌ام که نویسندگانی متن کتاب خود را تایپ (حروف‌نگاری) می‌کنند و سپس به دنبال ناشر، سرانجام آن را به ناشری می‌سپارد و ناشر هم به همان شکل و بدون بازنگری آن را به چاپ می‌رساند، در این صورت خودتان قضاوت کنید اوضاع چه می‌شود!

هم‌اینک کتاب‌های بی‌شماری به عرصه چاپ و نشر وارد می‌شوند که صرف‌نظر از

۱- شمار ناشران کشور بیش از ۷۰۰۰ است.

محتوای آنها، اغلب به جهت عدم رعایت نکات فنی و نگارشی و ویرایشی، مخاطب خود را چندان که باید نمی‌یابند و فقط تعداد معدودی از شمارگان چند هزار نسخه‌ای آنها به فروش می‌رسد و باقی کتاب‌های از این دست سرنوشتی جز انباشتن و یا سرانجام خمیرشدن ندارند. این امر چندان که پیداست به منزله نادیده انگاشتن بخش قابل توجهی از سرمایه شخصی و یا ملی افراد انسانی در این مرز و بوم است چنان‌که باید گفت چنین کتاب‌هایی به اقتصاد چاپ و نشر صدمه می‌زنند. اما مقصر اصلی این ماجرا کیست؟ بدون شک صدور مجوز تأسیس مؤسسه چاپ و نشر به بسیاری افراد که استعداد و ذائقه چاپ و نشر ندارند، تأثیرات منفی فراوانی بر این ماجرا گذارده است. البته ناشرانی هم که سابقه دیرینه‌ای در چاپ و نشر دارند به جهت سلیقه‌انگاری و گاه اداره سنتی، برای بالابردن آمار کتاب‌های منتشره خود هر موضوع و کتابی را به دستگاه‌های چاپ می‌سپارند. اما بیش از هر چیز نمی‌توان نقش ویراستاران را در این زمینه نادیده گرفت که البته باز هم به سیاست‌گذاری‌های ناشران و استخدام ویراستاران لایق و کارآمد باز می‌گردد.

این در حالی است که در پاره‌ای موارد ناشران برای رعایت حال مشتری و پایین نگاه‌داشتن نرخ کتاب از راه‌های مختلف، از میزان کیفیت و مطلوبیت کتاب‌های منتشره می‌کاهند. به عنوان نمونه، از جنس کاغذ خوب استفاده نمی‌کنند، حروف‌نگاری حرفه‌ای صورت نمی‌گیرد، کیفیت صحافی لحاظ نمی‌شود و از همه مهم‌تر ویرایش و ویراستاری را از گردونه چاپ و نشر حذف می‌کنند. به تعبیر دیگر هنوز هم بسیاری ناشران به شیوه سنتی عمل می‌کنند. بدیهی است هر گاه در تولید و عرضه یک اثر دقت لازم صورت نگیرد موفقیت و اقبال چندان‌ی را هم نمی‌توان برای پدیدآورنده و ناشر متصور شد. البته نباید از نظر دور داشت که پاره‌ای از ناشران به تصور این که جامعه مخاطب آنها پیشرفته و نکته‌سنج نیستند دست به چنین اقداماتی می‌زنند، و هم‌چنان ناشران بسیاری به شیوه سنتی و بدون رعایت سلسله مراتب و برنامه‌ریزی دقیق و سنجیده در باب نشر عمل می‌کنند.

مراحل چاپ و نشر را «پدیدآوری، ویرایش، تولید فنی، نظارت بر چاپ، چاپ،

## ویرایشی در ویرایش و کتاب‌های ویرایش ۹۷

بازارشناسی، توزیع، نظارت پس از نشر»<sup>(۱)</sup> بر شمرده‌اند. به هر حال ویرایش یکی از مراحل بی‌چون و چرا و مسلم چاپ و نشر است که ضرورت آن پیوسته رو به افزونی می‌نهد و بدون شک مؤسسات چاپ و نشر که از تشکیلات و سلسله مراتب و تقسیم وظایف برخوردارند نمی‌توانند بدون آن موفق باشند و به حیات خود ادامه دهند. همین‌طور اگر سازمان‌های وسایل ارتباط جمعی را در نظر آوریم ویرایش سهم بسزایی در حیات و میزان موفقیت آنها بر عهده دارد و «سازمان تحریریه در سازمان وسایل ارتباط جمعی که سیاست‌گذار، کانال پالایش خبر، هماهنگ‌کننده فعالیت تحریریه، انطباق اطلاعات و مطالب با خط‌مشی نشریه، اولویت‌بندی، انتخاب تصاویر، طرح و کاریکاتور و اعمال مدیریت در تمامی سرویس‌ها و بخش‌های خبری و فنی را بر عهده دارد، عمدتاً از سوی ویراستار یا ویراستاران اداره می‌شود.»<sup>(۲)</sup>

بنابراین شاید همگان و یا حداقل بسیاری از ناشران و پدیدآورندگان، ضرورت ویرایش را دریافته‌اند اما این‌که ویرایش را به صورت جدی به کار نمی‌گیرند یا در به کارگیری آن مسامحه می‌کنند و یا ویراستار خوب برای آثار منتشره خود در نظر نمی‌گیرند جای بسی تعجب و در عین حال پرسش است؛ از این است که متأسفانه افول ویرایش را حتی در آثار منتشره ناشران بزرگ هم می‌بینیم.

اگر ویراستاری را شامل اقسام و گونه‌هایی از این دست در نظر گیریم: ویرایش ساختاری - محتوایی، ویرایش نگارشی (زبانی - ادبی)، ویرایش داستانی، ترجمه‌ای، تلخیصی، احیایی، صوری و ویرایش سیاست‌سازانه<sup>(۳)</sup>، آنچه در کشور، بیشتر به عنوان ویرایش کاربرد

۱ - محمدرضا محمدی‌فر. شیوه‌نامه ویرایش. تهران: سازمان چاپ و انتشارات وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی، جلد اول، چاپ دوم، ۱۳۸۱، ص ۵۱.

۲ - نعیم بدیعی؛ حسین قندی. روزنامه‌نگاری نوین. تهران: انتشارات دانشگاه علامه طباطبائی. چاپ سوم، ۱۳۸۲، ص ۱۷۳.

۳ - هر یک از این نوع ویرایش‌ها تعریف و ویژگی خاص خود را دارد که البته در حوصله این مختصر نمی‌گنجد. برای آگاهی بیشتر مراجعه کنید به: محمدرضا محمدی‌فر. همان. و نیز: ابوالفضل طریقه‌دار. انواع ویرایش. قم: بوستان کتاب قم، چاپ اول، ۱۳۸۳.

دارد و مورد توجه است صرف نظر از تقسیم‌بندی‌های موجود، ویرایش زبانی است. از سوی دیگر، در اکثر موارد می‌بینیم که نوع ویرایش از جهات مختلف به ویژه ویرایش زبانی و صوری و به ویژه از جهت نوع قلم، انتخاب فونت، نوع صفحه‌آرایی، رسم خط و بسیاری نکات دیگر، با توجه به نوع و سن و احیاناً جنس مخاطب رعایت نمی‌شود و حال آن‌که هر یک از این موارد ویژگی خاص خود را می‌طلبند.

علاوه بر آنچه گذشت به رغم این که سهم قابل توجهی از ویرایش به ویرایش ادبی اختصاص می‌یابد، متأسفانه نسبت به این حوزه از ویرایش هم چون حوزه‌های دیگر ادبی بی‌مهری‌های فراوان صورت گرفته و چندان‌که باید به اهمیت آن توجه نشده است.<sup>(۱)</sup>

البته شاید بخش عمده‌ای از طرف سخن پژوهنده مؤسسه‌های کوچک چاپ و نشر باشد. زیرا چندان‌که پیداست مؤسسه‌های بزرگ چاپ و نشر به یک ساختار و تشکل نسبی یا کامل رسیده‌اند و معیارهای چاپ و نشر را تا حد امکان رعایت می‌کنند. هر چند این سازمان‌ها نیز خالی از ایراد و اشکال به ویژه در حوزه ویرایش نیستند چنان‌که ترکش این سخنان شاید به آنها هم اصابت کند.

هم‌اینک حرفه ویراستاری به گونه‌ای شده که هر کس یک یا دو یا حتی چند کتاب را به زعم خویش ویرایش کرد و احیاناً نامش به عنوان ویراستار در شناسنامه تعدادی کتاب ثبت شد مدعی ویراستاری است و چه بسا خود را ویراستار حرفه‌ای و درجه یک به شمار می‌آورد و از این رو در تعرفه‌ها و تعیین نرخ‌ها تمامی حد و مرزها را می‌شکند و نرخ‌های گزاف برای ویرایش خویش تعیین می‌کند که این امر یکی از معضلات بزرگ ناشران، پدیدآورندگان و حتی ویراستاران حقیقی و حرفه‌ای است. شاید این ضعف سیاست‌گذاری‌های چاپ و نشر است که هر کس به خود اجازه می‌دهد در حوزه ویرایش وارد شود و شناسنامه کتاب را شناسنامه رسمی، ملی و هویتی خود به شمار می‌آورد! زیرا

۱ - در مورد ویرایش ادبی مراجعه کنید به: عبدالحسین آذرنگ. گام‌های اصلی در نشر کتاب. تهران: اتحادیه ناشران و کتابفروشان تهران، چاپ دوم، ۱۳۸۰، ص ۹۶ و ۹۷.



## ویرایشی در ویرایش و کتاب‌های ویرایش ۹۹

اینان اولاً دوره‌های تخصصی و حرفه‌ای ویرایش را طی نکرده‌اند و ضوابط و اصول ویرایش را به طور علمی و کامل نمی‌دانند و خط مشی اساسی و ثبات رأی ندارند و از این رو به ساختار خط و آیین نگارش و ویرایش صدمه می‌زنند و از سوی دیگر به اندازه پولی که در این زمینه مطالبه می‌کنند خدمات ویرایشی ارایه نمی‌دهند. البته بهتر است بگوییم نمی‌توانند ارایه دهند و خود قضاوت کنید که از این راه چه صدماتی به بازار ویرایش، کتاب و نشر وارد می‌شود.

این همه مشکلات عدیده در حوزه ویرایش و نگارش را شاهدیم و بدیهی است به دلیل ازدیاد جمعیت و رونق صنعت چاپ و نشر و میل روزافزون چاپ کتاب، پیوسته بر این مشکلات افزوده خواهد شد اما متأسفانه هیچ دستگاه نظارتی جهت ممیزی و بررسی کیفی کتاب‌های منتشره از منظر ویرایش در ایران وجود ندارد و هیچ‌گونه عاقبت‌نگری هم در این خصوص صورت نگرفته است. البته نیک می‌دانیم که در این آشفته بازار نشر و ویرایش، ناشران و پدیدآورندگانی که به امور فنی و ویرایشی کتاب‌های منتشره خود توجه کافی و وافی نشان نمی‌دهند بیش از همه خود متحمل ضرر و زیان‌های ناشی از آن می‌شوند چراکه خوانندگان ایرانی خوشبختانه به آن سطح از دانش و آگاهی رسیده‌اند که رطب و یابس را از هم تشخیص دهند. و بسیاری کتاب‌هایی که شاید از حیث محتوایی سودمند باشند اما از حیث ویرایشی و نگارشی مطلوب نیستند و همین امر بر مطلوبیت محتوایی این‌گونه کتاب‌ها اثر منفی می‌نهد و از مخاطبان آنها می‌کاهد. اما مگر جز این است که اقتصاد ملی، به ویژه اقتصاد چاپ و نشر ما بیش از پیش ضرر و زیان خواهد دید؟

پرسشی که مطرح است این است که به واقع نوع ویرایش کتاب‌هایی که ویرایش می‌شوند از کدام گونه است؟ به تعبیر دیگر آنچه هم اینک به عنوان ویراستاری در میهن ما رایج است از کدام گونه ویراستاری است؟ آیا ویراستاری از نوع علمی است؟ تخصصی است؟ نمونه‌خوانی است؟ نسخه‌پردازی است؟ و ... پاسخ این پرسش‌ها را در هیچ یک از شناسنامه‌های کتاب‌ها نخواهید یافت، زیرا در میهن ما چنین چیزی مرسوم نیست که حوزه

ویرایش و نوع ویرایش در شناسنامه تعیین شود. حال آن که باید مرزهای ویرایش از هم تفکیک شود و حق مسلم خواننده و ویراستار است که نوع ویرایش اثر در شناسنامه مشخص شود و شاید یکی از ضعف‌های ما در آیین‌نامه‌های چاپ و نشر و ویرایش همین باشد که نوع ویرایش معلوم نیست و از ویرایش مفهوم عام استنباط می‌شود.

نکته دیگر این که آیا به واقع برای ویرایش کتاب‌های تخصصی و یا انواع کتاب‌ها ویراستار تخصصی در نظر گرفته می‌شود؟ یعنی آیا یک کتاب علمی توسط یک ویراستار اهل همان علم ویرایش می‌شود؟ به تعبیر دیگر در کشور ما و شاید در بسیاری از کشورهای دیگر، به تناسب نوع و موضوع کتاب، ویراستار انتخاب نمی‌شود در حالی که برای یک اثر تحقیقی مثلاً فلسفی ویراستاری لازم است که با حوزه این علم آشنا باشد اما آیا در کشورمان چنین عمل می‌شود؟ آیا اصلاً به این جنبه از ضرورت‌های ویرایش توجه داشته‌ایم؟ آیا نسبت به پرورش ویراستاران در حوزه‌های مختلف همت گماشته‌ایم؟ بدیهی است کسانی که در یک حوزه از ویرایش تخصص دارند دلیل بر تواناییشان در سایر حوزه‌های ویرایش نمی‌شود؛ هر چند ویراستار توانا کسی است که از بسیاری از حوزه‌ها و علوم مختلف آگاهی داشته باشد اما...

یکی از مسایل قابل توجه در حوزه چاپ، نشر و ویرایش، نرخ کتاب‌های منتشره است. در چند سال اخیر، اغلب از سوی کتاب‌خوان‌ها مطرح می‌شود که نرخ کتاب در ایران از میزان بالایی برخوردار است و مردم قدرت خرید کتاب با نرخ‌های موجود را ندارند. در این زمینه ناشران و متولیان عمدتاً توجهاتی می‌آورند که باز می‌گردد به موضوع اقتصاد نشر که البته از موضوع بحث این پژوهش خارج است. اما پرسش این جاست که قیمت‌گذاری کتاب بر اساس چه معیارهایی صورت می‌گیرد؟ آیا تعداد صفحات کتاب و نوع جلد برای تعیین نرخ کتاب بسنده است؟ آیا اگر شهرت نویسنده را بر موارد مذکور بیفزاییم بسنده است؟ آیا نوع کاغذ در این زمینه علاوه بر این موارد کافی است؟

در پاسخ به این پرسش اساسی بد نیست بدانیم برای این که یک اثر با کیفیتی مطلوب و

## ویرایشی در ویرایش و کتاب‌های ویرایش [۱۰۱]

رعایت استاندارد چاپ شود باید عملیات فراوانی بر آن صورت گیرد و افراد متعددی باید در آن ایفای نقش کنند به عنوان مثال ویراستار، طراح، نسخه‌پرداز، نمایه‌ساز، ماشین‌نویس، صفحه‌آرا و صحاف، حمل و نقل، انباردار، اداره، مرکز پخش و بازاریابی و... در امر تولید و چاپ کتاب دخیل و مؤثرند. حال هر یک از این عوامل از گردونه تولید حذف شود (به ویژه عوامل مؤثر و اساسی)، به ماهیت و مطلوبیت اثر صدمه وارد می‌شود (البته گاه چند وظیفه را یک نفر عهده‌دار می‌شود مثلاً ویراستار هم نسخه‌ویرایی می‌کند و هم نمایه‌سازی و... که باز ره به جایی دارد).

با توجه به آنچه آمد باید اذعان کنیم نرخ کتاب در ایران متأسفانه بدون در نظر گرفتن بسیاری از این مراحل تعیین می‌شود. از این منظر می‌توان ناشران را به دو دسته تقسیم کرد:

- ۱ - ناشرانی که کلیه نکات فنی مراحل چاپ را رعایت می‌کنند.

- ۲ - ناشرانی که پاره‌ای از نکات فنی از جمله ویرایش یا مطلوبیت کاغذ یا جلد و... را از گردونه تولید و چاپ حذف می‌کنند.

بر این اساس باید پرسید نرخ را که ناشران دسته اول برای کتاب‌های منتشره خویش محاسبه می‌کنند با نرخ که ناشران دسته دوم برای آثار منتشره منظور می‌کنند یکسان است یا باید یکسان باشد؟ به بیان دیگر، وقتی نرخ کتابی بالاست مخاطب انتظار دارد همه جنبه‌های فنی و اصولی آن رعایت شده باشد، اما متأسفانه بسیاری از ناشران نرخ کتاب را بر اساس خدمات ارائه شده در کتاب تعیین نمی‌کنند و این جز به منزله سوء استفاده چیز دیگری نمی‌تواند بود.

آنچه در رعایت نکات فنی بیشتر مورد مسامحه واقع می‌شود ویرایش است که یا حذف می‌شود یا چندان که باید مورد توجه و دقت کافی قرار نمی‌گیرد. نیک می‌دانیم بخش عمده‌ای از چالش‌های پیش روی ویرایش، ناشی از مشکلات اقتصادی و بازتاب سیاست‌های نشر و صنعت نشر است. متأسفانه اوضاع نابسامان صنعت نشر به گونه‌ای است که هزینه‌های خود را به سختی برمی‌گرداند، از این رو نویسندگان و ناشران کمتر به جنبه‌های

فنی نشر که از آن جمله ویرایش است توجه می‌کنند و شاید ویرایش را بزکی می‌دانند که اگر نباشد مشکلی پیش نخواهد آمد! و صد البته ویرایش و نوع ویرایش در تعیین بهای کتاب سهم بسزایی دارد و از آن جا که این موضوع بلیه‌ای است که به جان صنعت چاپ و نشر ما افتاده و دست‌خوش سلیقه‌ها و غرض‌ورزی‌های سودجویانه شده و افرادی وارد این عرصه شده‌اند که جز به منفعت خویش نمی‌اندیشند باید به اقشار مختلف کتاب‌خوان و کتاب‌خر اولاً بیش از پیش آگاهی داد که در سطح توقع خود از یک اثر تجدید نظر کنند و هر کتابی را خریداری نکنند و از سویی نیز حق داد که از بهای گران کتاب‌ها بنالند.

با توجه به آنچه گذشت باید گفت متأسفانه سازمان و یا ارگانی که بر این امور و به ویژه بر تعیین بهای کتاب در کشور نظارت داشته باشد وجود ندارد. آیا تا به حال هیچ از خود پرسیده‌ایم اگر مخاطبی یا خواننده‌ای نسبت به بهای کتاب و خدمات ارائه شده در آن شکایت داشته باشد چه کسی مسؤول رسیدگی و بازرسی این موضوع خواهد بود؟ آیا شکایت چنین شخصی از جایگاهی حقوقی و قانونی برخوردار خواهد بود؟! آیا صرفاً واگذاری این امور به وجدان عمومی ناشران و پدیدآورندگان کافی است؟ البته شاید گفته شود «خُب می‌خواست کتاب نخرد یا می‌توانست کتاب را به فروشنده پس بدهد» و یا ... بدیهی است این پاسخ‌ها جز و سمه بر ابروی کور کشیدن چیزی نیست.

نگارنده بر این باور است که برای پیش‌گیری از چنین اوضاعی راه‌های مختلفی را می‌توان اعمال کرد؛ بدیهی‌ترین راه این است که صدور مجوز یا تمدید مجوز چاپ و نشر یک مؤسسه مشروط به بررسی و ارزیابی جنبه‌های فنی کتاب‌های منتشره و محاسبه مالی آنها و تناسب نرخ کتاب با خدمات ارائه شده باشد.

اوضاع نابسامان ویرایش در کشور را با بحث آموزش و پژوهش در این زمینه ادامه می‌دهیم. به راستی هیچ سازمان و مؤسسه‌ای به طور اساسی و مطابق وظایف از پیش تعریف‌شده، موظف به توجه به این فن مهم و نوپا و حمایت و گسترش آن نیست. اگر مرکز نشر دانشگاهی و تعدادی از مراکز دیگر به این مهم توجه نموده‌اند و تا حدودی سعی در

## ویرایشی در ویرایش و کتاب‌های ویرایش ۱۰۳

جبران مافات کرده‌اند به معنی این نیست که بسامانی اوضاع فراهم آمده است و تمامی مشکلات بر طرف شده است.

به طور کلی علل ضعف در پرداختن به ویرایش در کشور را می‌توان در موارد زیر خلاصه کرد:

- ۱- نوپایی ویرایش در ایران.
- ۲- عدم آشنایی نویسندگان با امور ویرایش و ضرورت آن.
- ۳- عدم آشنایی ناشران با ویرایش و ضرورت آن.<sup>(۱)</sup>
- ۴- عدم توانایی ویراستاران.
- ۵- بالابودن هزینه‌های چاپ (اقتصاد نشر).
- ۶- عدم نظارت بر کیفیت ویرایش از سوی سازمانی مستقل.
- ۷- پایین بودن سطح توقع مخاطبان.
- ۸- کم بودن تعداد ویراستاران متخصص و کارآمد.
- ۹- توقع بی‌جا از ویراستاران فراتر از حد توان آنها.
- ۱۰- عدم تعلیم و آموزش ویرایش.
- ۱۱- آشفتگی در شیوه خط فارسی.
- ۱۲- پایین بودن دستمزد ویراستاران.
- ۱۳- برخورد سلیقه‌ای و ذوقی با ویرایش، مطالعات فرسنگی
- ۱۴- فقدان تشکل صنفی کارآمد و فعال ویراستاران.

۱- البته امروز کمتر ناشری یافت می‌شود که به اهمیت و ضرورت ویرایش پی نبرده باشد اما با وجود این بسیاری ناشرانی که از به‌کارگیری آن سر باز می‌زنند. تا زمانی که نگاه کلان ناشران و متولیان نشر این باشد که «بگذار چاپ شود!» و «چاپ شدن یک اثر بدون رعایت نکات فنی آن بهتر از چاپ نشدن آن است.» و یا «هزینه‌های بالای چاپ کتاب اجازه ویرایش نمی‌دهد.» نمی‌توان تحولی شگرف در این بُعد از ابعاد فرهنگی کشور متصور شد. به عبارت دیگر، در زمانی که نشر الکترونیکی روزبه‌روز در حال پیشرفت است و اوضاع چاپ و نشر را تحت تأثیر قرار می‌دهد پرداختن به نشر سنتی و اصرار بر ادامه این شیوه و عدم همپایی با پیشرفت‌های این حوزه، بیش از پیش به نشر و ویرایش در کشور صدمه وارد می‌کند.

۱۵ - ضعف در قوانین و مقررات صنعت چاپ و نشر.

### کتاب‌های ویرایش

طرف دیگر سخن پژوهنده پدیدآورندگان کتاب‌های چاپ، نشر و ویرایش است. کتاب‌های بی‌شماری به ویژه در یکی دو دهه اخیر در زمینه نشر و به خصوص ویرایش چاپ و منتشر شده است که البته حوزه ویرایش و تنوع و گستردگی آن به حدی است که هر چه کتاب در این زمینه هم به چاپ برسد شاید اندک باشد، به ویژه آن که پیوسته الگوهای ویرایش و انواع ویرایش در تغییر است. اما درباره اوضاع اغلب کتاب‌هایی که درباره ویرایش به چاپ رسیده و می‌رسد چند نکته قابل توجه است:

نخست آن که تقریباً با مطالعه این آثار نمی‌توان انتظار تربیت ویراستار داشت، زیرا در این آثار صرفاً به جنبه‌های تئوریک و نظری ویرایش پرداخته شده عمدتاً جنبه‌های عملی و کاربردی آن مورد توجه قرار نگرفته است.

دیگر این‌که در این آثار، ویرایش به عنوان موضوعی کلی و فراگیر در نظر گرفته شده است و به جنبه‌های متنوع و مختلف ویرایش و انواع آن کمتر توجه شده است. حتی اگر انواع ویرایش در بسیاری از این آثار طرح شده است تلقی نگارندگان آنها از ویرایش بیشتر معطوف به ویرایش زبانی است.

هم‌چنین در خصوص نوع مخاطب در این‌گونه آثار چندان نکته و بحثی ارایه نمی‌شود و فرض بر این نهاده می‌شود که خود ویراستار از آن آگاهی داشته و دارد.

بسیاری از کتاب‌های ویرایش و نگارش معلوم نیست آیا شیوه‌نامه هستند یا نیستند. حداقل تکلیف گویا بر خودشان هم آشکار نیست. چنان‌چه این آثار را شیوه‌نامه تلقی کنیم این آثار عمدتاً به جنبه‌های صوری ویرایش پرداخته‌اند و از توجه به سایر جنبه‌های ویرایش غفلت کرده‌اند و یا با اشاره‌ای کوتاه موضوع را خاتمه داده‌اند. البته نگارنده خود را وام‌دار بزرگان و اساتید این فن و ویراستاران برجسته کشور می‌داند با این حال بر این باور است که

## ویرایشی در ویرایش و کتاب‌های ویرایش ۱۰۵

بسیاری از این کتاب‌های ویراستاری باید دوباره ویرایش شوند. به عبارت دیگر، هر چند نگارنده قصد تخطئه و یا جسارت به ساحت مقدس بزرگان این فن را ندارد، متذکر می‌شود که نمونه‌های بسیاری را از جهت لغزش‌های فاحش نگارشی و ویرایشی از این کتاب‌ها استخراج کرده است که اگر می‌خواست آنها را در این مقاله بیاورد بیش از هر چیز دردسرهایی برای خود او پیش می‌آمد، از این رو از ارایه آنها صرف‌نظر می‌کند.<sup>(۱)</sup>

روزی در کلاس درس، به یکی از استادان برجسته خویش که صاحب تألیفات فراوانی است گفتم: «چرا فلان کتاب شما این قدر غلط‌های نگارشی و ویرایشی دارد؟» ایشان ضمن تأیید و عذرخواهی گفتند: «یکی از کتاب‌هایم را به محمدعلی جمالزاده هدیه کرده بودم. مرحوم جمالزاده اعلام داشت محتوای کتاب خوب است اما چرا در ایران کتاب‌ها این همه پرغلط چاپ می‌شود!» ایشان توصیه کرده بود که بهتر است هر نویسنده‌ای که کتابی را در ایران چاپ می‌کند یک «غلط‌می‌کنم‌نامه» هم در انتهای کتاب بیاورد!...

هر چند در ویرایش ما نوپاییم و این نوپایی حتی در کتاب‌هایی که در این باره آیین‌نامه صادر می‌کنند محسوس است اما انتظار می‌رود حداقل از اعمال سلیقه‌های شخصی و ذوقی پرهیز کنیم و بیشتر به ضوابط علمی عنایت داشته باشیم. از سویی در این‌گونه کتاب‌ها، به حوزه‌های مختلف ویرایش اعم از علمی، ترجمه و... توجهی نمی‌شود حال آن‌که جا دارد به ویرایش با نگاهی تخصصی‌تر و حرفه‌ای‌تر بنگریم.

علاوه بر اینها، تکرار، بلیه‌ای است که به جان اکثر پدیدآورندگان این‌گونه آثار افتاده است. هر کتابی که تألیف و چاپ می‌شود اگر فاقد مطلب تازه‌ای باشد و بر آنچه دیگران گفته‌اند، چیزی نیفزاید یا گرهی از کار فرو بسته موضوع را نگشاید و فقط به جمع‌آوری و تکرار آنچه دیگران گفته‌اند پردازد بهره‌ای نخواهد داشت. حتی گاه می‌بینیم تعدادی از مؤلفان این‌گونه کتاب‌ها برای ارایه یک مطلب تازه که از حد یک مقاله هم کوتاه‌تر است به ویژه در این حوزه به چاپ یک کتاب تکراری دست می‌زنند و با پس و پیش کردن مواد کتاب‌های دیگران اثری

۱- در این‌جا نگارنده اعتراف می‌کند که از منطق علمی فروگذاری کرده است.

را به نام خود ثبت می‌کنند. البته نگارنده اذعان دارد که در کشور ما ویرایش، علم و یا فنی جوان محسوب می‌شود و در این راه هر چه نگاشته شود، بحث و بررسی شود، سمینار تشکیل شود و ... کم است، اما باید دانست که بخش عمده‌ای از صفحات کتاب‌های ویرایش و نگارش به توضیح و تبیین علایم نگارشی (ویرگول، نقطه، علامت تعجب، و ...) اختصاص می‌یابد. جالب این‌که این علایم و نشانه‌ها عمدتاً از قاعده و اسلوبی ثابت برخوردارند و در کتاب‌هایی از این دست، چندان اختلاف نظری وجود ندارد. شاید مؤلفان این‌گونه کتاب‌ها عمدتاً هنری را که به خرج می‌دهند این است که مثال‌ها را تغییر می‌دهند. در این صورت اگر بدانیم که تعداد کتاب‌هایی که علایم نگارشی را ذکر کرده‌اند اندک نیستند و نیز تعداد صفحاتی که به این موضوع پرداخته شده فراوان است با یک حساب سرانگشتی درمی‌یابیم که چه هزینه‌هایی صرف این موضوعات تکراری شده است (البته منکر این نیستیم که بر حجم صفحه‌ای این کتاب‌ها افزوده شده و احیاناً موجب تفاخر پاره‌ای از این مؤلفان هم شده است)! اما همه اینها زمانی مفید خواهد بود که پیوسته خود را تکرار نکنیم و به بی‌سرانجامی اوضاع دامن نزنیم.

شاید ادعایی گزاف نباشد اگر بگوییم تقریباً در همه کتاب‌هایی که در زمینه ویرایش و راه‌های درست‌نویسی نگاشته شده است غلط‌های نگارشی و حروف‌نگاری اندک نیست. وقتی در متن کتاب‌های ویرایش کلمه‌های مرکب را در یک سطر پیوسته و در یک سطر جدا می‌نگارند و یا باز هم کلمه‌های مرکب را که جدا نوشته می‌شوند گاهی با فاصله و گاهی بی‌فاصله می‌آورند بر سطحی‌نگری و عدم دقت این‌گونه صاحب‌نظران حتی نسبت به کتاب‌های خودشان متعجب می‌شویم. برای مثال در سطر فوق کلمه مرکب صاحب‌نظران آمده است. این کلمه را به چند گونه می‌توان نوشت:

صاحب‌نظران - صاحب‌نظران - صاحب نظران

اگر قرار باشد که این واژه را به صورت اول در نظر بگیریم (صاحب‌نظران) پس لازم می‌نماید در تمام اثر این واژه و واژه‌های مشابه به همین صورت نگاشته شوند نه این‌که



یک جا صاحب‌نظران و یک جا صاحب‌نظران و جای دیگر صاحب‌نظران.

عدم یک‌دستی در این‌گونه آثار از این حیث قابل توجه است.

بسیاری از پدیدآورندگان این نوع آثار به تحولات چاپ، نشر و ویرایش در سطح جهانی بی‌توجه و یا غافلند، چنان‌که صنعت نشر و ویرایش در سطح جهانی به شدت تحت تأثیر نشر و ویرایش الکترونیکی<sup>(۱)</sup> و دیجیتالی است کمتر کتابی در حوزه ویرایش و نشر از این موضوع سخنی به میان آورده است. این امر سبب شده است که بسیاری از ویراستاران از نشر الکترونیکی آگاهی نداشته باشند و از آن‌جا که این نوع نشر در آینده‌ای نه چندان دور گسترش چشم‌گیری خواهد یافت بایسته است که بیشتر مورد توجه قرار گیرد. این به منزله آن است که ما نه تنها به زیرساخت‌های چاپ و نشر و ویرایش توجهی نداریم و در اصلاح و بهبود اوضاع نمی‌کوشیم بلکه حتی تعریف منسجم و مدونی از زیرساخت در این زمینه نداریم. یعنی درد را چندان که باید نشناخته‌ایم تا بتوانیم با بررسی ابعاد مختلف آن، به تجزیه و تحلیل و بحث و تبادل نظر پرداخته و در پی درمان آن باشیم.

در این‌گونه آثار عمدتاً بحث‌های تحلیلی وجود ندارد. حتی در مواردی که سخن تازه‌ای مطرح می‌شود به جنبه‌های دستوری - منطقی و آوایی آن واژگان و نکته‌های جدید در آن کمتر پرداخته می‌شود. به طوری که بحث خود را با سایر بحث‌های مورد اختلاف نمی‌سنجند؛ مزایای نظر خود را مطرح نمی‌سازند؛ استثناءهای نظر خود را بازگو نمی‌کنند؛ ابعاد علمی و زبانی نظر خود را در نظر نمی‌گیرند و به نوعی رفتار آنان با زبان و نگارش خط فارسی تا حدود زیادی رفتاری احساسی و سلیقه‌ای است.

علاوه بر اینها باید گفت کتاب‌های ویرایش و نگارش جنبه تجویزی دارند و از سوی دیگر، معیارها، سنجش‌ها، نظرها و آراء خود را جزمی و قطعی می‌پندارند و در آنها محلی برای شک و تردید قایل نمی‌شوند و تازه اثر خود را از هرگونه نیاز به بازنگری و بازبینی مبرا

---

۱ - برای آگاهی از نشر الکترونیکی مراجعه کنید به: محمدرضا محمدی‌فر. شیوه‌نامه ویرایش. تهران: سازمان چاپ و انتشارات وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی، چاپ دوم، ۱۳۸۱، ص ۶۵.

می‌دانند (در صورت تجدید چاپ). گواه این ادعا این‌که آثار فراوانی می‌توان یافت که ایرادها و نقص‌های فراوانی دارند و آراء و نظریه‌های نویسندگان آنها منسوخ شده است اما هم‌چنان بدون اصلاحات و تجدید نظر، تجدید چاپ می‌شوند.

هم‌چنین دیدگاه‌های مختلف را نادیده می‌انگارند (تک بعدی می‌نگرند) و بر نگاه زبان‌شناسانه، دستور زبان، جنبه‌های آموزشی زبان‌گفتاری، جنبه‌های فونولوژی<sup>(۱)</sup> (واج‌شناسی) و مورفولوژی<sup>(۲)</sup> (ریخت‌شناسی) توجهی ندارند. البته بدون شک هدف اصلی و اساسی تمامی محققین و پژوهندگان و پدیدآورندگان این رشته، استوارکردن حقیقت و راستی و درستی بوده و هست، اما در راه رسیدن به آن بسا که دچار انحراف و سردرگمی فراوان شده‌اند و در بسیاری موارد احساسات فردی و سلیقه‌های شخصی را بر جنبه‌های پژوهشی و تحقیقی ترجیح داده‌اند. سرانجام این‌که نگارنده بر این باور است که بسیاری از کتاب‌هایی که درباره ویرایش نگاشته شده‌اند باید خود ویرایش شوند.

### نتیجه

با توجه به آنچه گذشت شاید این پرسش مطرح شود که آیا می‌توان انتظار بهبود اوضاع ویرایش را داشت؟ در پاسخ باید گفت آن‌گاه که بنیة اقتصادی صنعت چاپ و نشر، به عنوان مهم‌ترین صنعت فرهنگی کشور تقویت یابد، زیرساخت‌های نشر کارآمد و پویا شود، قوانین و مقررات چاپ و نشر بازنگری و اصلاح شود و از سویی ضمانت اجرایی یابد، اطلاع‌رسانی دقیق و کارآمد از ضرورت‌ها و بایدها و نبایدها در این زمینه صورت گیرد، سطح توقع مخاطبان و خوانندگان از امور فنی کتاب بالاتر رود، ناشران و مؤلفان بیش از پیش از ضرورت ویرایش آگاهی یابند، رشته ویرایش و ویراستاری به عنوان رشته‌ای تحصیلی در دانشگاه‌ها راه‌اندازی شود، و ویراستاران از فن‌آوری‌ها و دانش‌های فنی ویرایش هم‌پای زمان بهره‌مند شوند، شاید بتوان بهبود اوضاع ویرایش را انتظار کشید.

1. Phonology.

2. Morphology.

## منابع و مأخذ

- ۱- آذران، حسین. **آیین نگارش**. تهران: انتشارات شرق، چاپ اول، ۱۳۷۰.
- ۲- آذرنگ، عبدالحسین. **نشر کتاب**. تهران: اتحادیه ناشران و کتابفروشان، چاپ اول، ۱۳۸۰.
- ۳- آذرنگ، عبدالحسین. **نشر و ویرایش**. تهران: ققنوس، چاپ اول، ۱۳۸۱.
- ۴- ادیب سلطانی، میرشمس الدین. **درآمدی بر چگونگی شیوه خط فارسی**. تهران: امیرکبیر، چاپ دوم، ۱۳۷۱.
- ۵- ادیب سلطانی، میرشمس الدین. **راهنمای آماده‌سازی کتاب**. تهران: انتشارات علمی و فرهنگی، چاپ دوم، ۱۳۷۴.
- ۶- امامی، کریم. **درگیرودار کتاب و نشر**. تهران: انتشارات نیلوفر، چاپ اول، ۱۳۸۵.
- ۷- پورجوادی، نصرالله. **درباره ویرایش**. تهران: مرکز نشر دانشگاهی، چاپ اول، ۱۳۶۵.
- ۸- سمیعی (گیلاتی)، احمد. **نگارش و ویرایش**. تهران: انتشارات سمت، چاپ دوم، ۱۳۷۹.
- ۹- طریقه‌دار، ابوالفضل. **انواع ویرایش**. قم: بوستان کتاب قم، چاپ اول، ۱۳۸۳.
- ۱۰- غلامحسین‌زاده، غلامحسین. **راهنمای ویرایش**. تهران: انتشارات سمت، چاپ اول، ۱۳۷۹.
- ۱۱- فرهنگستان زبان و ادب فارسی. **دستور خط فارسی**. تهران: نشر آثار فرهنگستان، چاپ اول، ۱۳۸۱.
- ۱۲- کریمی، پرویز. **آیین‌نامه انتشاراتی دانشگاه آزاد ایران**. تهران: مرکز تولید انتشارات دانشگاه آزاد ایران، بی‌تا.
- ۱۳- محمدی‌فر، محمدرضا. **شیوه‌نامه ویرایش**. تهران: سازمان چاپ و انتشارات وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی، چاپ دوم، ۱۳۸۱.
- ۱۴- نجفی، ابوالحسن. **غلط نویسیم**. تهران: مرکز نشر دانشگاهی، چاپ هشتم، ۱۳۷۶.
- ۱۵- یاحقی، محمدجعفر؛ ناصح، محمدمهدی. **راهنمای نگارش و ویرایش**. تهران: مؤسسه چاپ و انتشارات آستان قدس رضوی، چاپ سوم، ۱۳۶۵.



پروشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی  
پرتال جامع علوم انسانی